



Shervin Farridnejad, "Touraj Daryae: Sasanian Persia: The Rise and Fall of an Empire," *Iran Nameh*, 27:2-3 (2012), 276-283.

جامعه در ایران ساسانی: سوی دیگر تاریخ

بررسی کتاب ایران ساسانی:
ظهور و سقوط یک امپراتوری
نوشته‌ی تورج دریایی

شروین فریدنژاد

دانشکده ایران‌شناسی دانشگاه گئورگ آگوست گوتینگن

Shervin Farridnejad

s.farridnejad@phil.uni-goettingen.de



امپراتوری ساسانی در طی چهار سده، در کنار امپراتوری روم شرقی، یکی از دو قدرت مهم و تأثیرگذار پایان دوره باستان به شمار می‌رود. مجموعه نوشته‌ها، کتاب‌ها و تحقیقاتی که جنبه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، هنری، دینی امپراتوری روم شرقی را به زبان‌های اصلی اروپایی دربر می‌گیرد، بی‌اغراق، از صدها جلد کتاب افزون است. در مقابل آثاری که اختصاصاً کلیت تاریخ، اجتماع و فرهنگ ساسانی را پوشش می‌دهند، از تعداد انگشتان دو دست هم بیشتر نیست. مهم‌ترین آنها، کتاب ایران در زمان ساسانیان^۱ آرتور کریستنسن بود که امروز نزدیک هفتاد سال از انتشار آن می‌گذرد. در طی این هفت دهه گذشته، کلاوس شیمیان^۲ آلمانی، کتابی کوچک و مختصر، اما مفید و جامع برای استفاده دانشجویان آلمانی‌زبان درباره ساسانیان نوشت که پژوهش‌های جدیدتر و یافته‌های نو از زمان کریستنسن را کامل می‌کرد. در کنار این دو کتاب، می‌شود از زمان گیرشمان در کتاب ایران: پارت و ساسانی^۳ که با گذشت زمان، همچنان منبع مهمی برای هنر ساسانی به شمار می‌رود و بخش‌هایی از جلد سوم تاریخ ایران کمبریج^۴ که در دو جلد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوره‌های سلوکی، پارت و ساسانی را بحث می‌کند یاد کرد. فصلی از کتاب ایران باستان^۵ یوزف ویزهوفر نیز به ساسانیان اختصاص دارد^۶ و همین‌طور مقالات گوناگونی که در دانش‌نامه ایرانیکا^۷ منتشر شده‌اند.

^۱Arthur Christensen, *L'Iran sous les Sassanides* (Kopenhagen: Munksgaard, 1994).

^۲Klaus Schippmann, *Grundzüge der Geschichte des sassanidischen Reiches* (Darmstadt: Wiss. Buchgesellschaft, 1999).

^۳Roman Ghirshman, *Iran: Parthians and Sassanians* (London: Thames and Hudson, 1962).

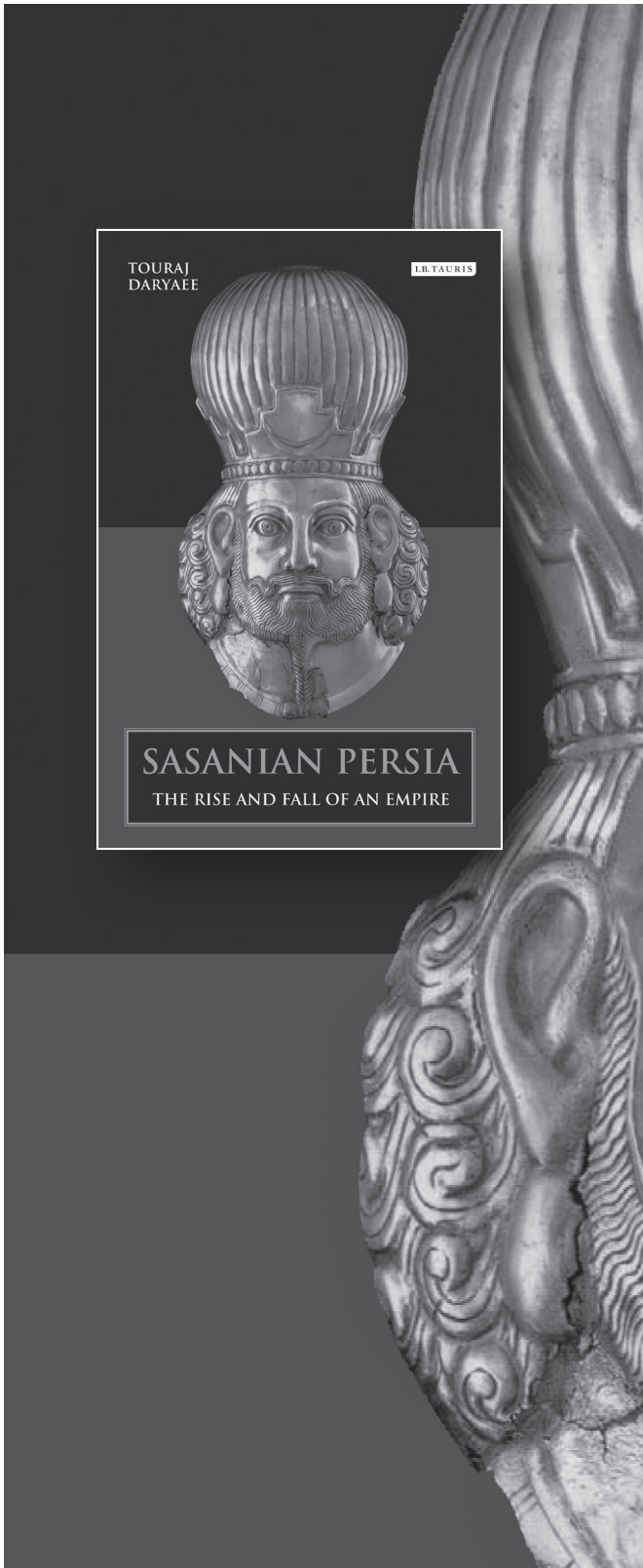
^۴Ehsan Yarshater, *The Cambridge History of Iran* (UK: Cambridge University Press, 1983) Vol. 3: The Seleucid, Parthian and Sasanian periods, Part I and II.

^۵Wiesehöfer, *Ancient Persia From 550 BC to 650 AD* (London & New York, I.B. Tauris, 1996), 151-222.

^۶برای فهرستی از منابع مرتبط با پژوهش‌های ساسانی، ببینید:

<http://www.humanities.uci.edu/sasanika/pdf/Working%20Sasanian%20bibliography.pdf>

^۷Yarshater, *Encyclopædia Iranica*, (London, Routledge & Paul, 1985); online available at <http://www.iranicaonline.org>



دریایی پیش از این کتاب کوچک دیگری هم با عنوان ایران ساسانی (۶۵۲-۲۲۴)^۸ منتشر کرده بود که تنها به تاریخ سیاسی ساسانیان می‌پرداخت.

آرمان دریایی از نوشتن این کتاب، آن‌گونه که خود نیز در پیشگفتار کتاب به آن اشاره می‌کند، تهیه دست‌نامه‌ای است برای دانشجویان و علاقه‌مندان تاریخ دنیای باستان، به ویژه دوره ساسانی. کتابی که با تکیه بر منابع دست اول و مستقیم از دوره ساسانی، دیدی کلی به وضعیت اجتماع در آخرین امپراتوری بزرگ ایران پیش از اسلام به خواننده بدهد و اطلاعاتی بیشتر از یک تایخ‌نگاری خشک و پر از نام و تاریخ جنگ‌ها و تاج‌گذاری‌ها عرضه کند. پرداختن به تاریخ اجتماعی ساسانیان و تلاش برای بازسازی آن از خلال متن‌های فارسی میانه و شواهد باستان‌شناسی، یکی از ویژگی‌های کتاب دریایی است که جای خالی آن در پژوهش‌های ساسانی دیده می‌شود. دریایی اساس کار خود را بر تحلیل منابع دست اول می‌گذارد، یعنی کتیبه‌ها، سکه‌ها، مهرها و یافته‌های باستان‌شناسی و سپس تطبیق و مقایسه آنها با دیگر شواهد که گزارش‌های متأخر یونانی، عربی، سریانی یا لاتین. پنج فصل کتاب ایران ساسانی: ظهور و سقوط یک امپراتوری، به مذهب، جامعه، اقتصاد، ادبیات و تاریخ سیاسی ایران‌شهر می‌پردازد.

فصل نخست «تاریخ سیاسی ایران و انیران»، فصل دوم «جامعه‌ی ایران‌شهر»، فصل سوم «دین‌های امپراتوری: آئین زرتشتی، آئین مانی، آئین یهود و آئین مسیح»، فصل چهارم، «زبان‌ها و نوشته‌های به جا مانده»، و فصل پنجم «اقتصاد و نظام دیوان‌سالاری ایران‌شهر» را بررسی می‌کند. دریایی در پایان، کتاب‌نامه ارزشمندی از متون درجه اول و اصلی پژوهش‌های ساسانی را معرفی می‌کند که مهم‌ترین نوشته‌ها و اسناد مرتبط با تاریخ، فرهنگ، دین، اقتصاد و دیگر ابعاد عصر ساسانی را در بر می‌گیرد که در چندین بخش، متون اصلی عربی، ارمنی، قبطی، یونانی، لاتین، فارسی میانه، فارسی نو و سریانی را شامل می‌شود.

تاریخ سیاسی ایران و انیران
دریایی، پژوهش خود را با نگاهی به تاریخ ایران، پیش از ساسانیان آغاز می‌کند. نخستین امپراتوری بزرگ ایرانی در مفهوم سیاسی، با پی‌ریزی شاهنشاهی هخامنشی آغاز می‌شود که به مدت دو سده (ششم تا چهارم پیش از میلاد) بر مجموعه سرزمین‌هایی فرمان راند که سه تمدن بزرگ دنیای باستان را در بر می‌گرفت. امپراتوری هخامنشی در واقع پیونددهنده سه تمدن مصر، میان‌رودان و هند، با همه گونه‌گونی‌های سیاسی، فرهنگی، و مذهبی این تمدن‌ها، زیر حاکمیت و نفوذ یک قدرت سیاسی و فرهنگی ایرانی بود که آن را در آشنایی و هم‌زیستی هومبان (خدای ایلامی)، اهورامزدا، مردوک (خدای بابلی) و یهوه و تأثیر آنها بر همدیگر^۹ که از مشخصه‌های چندفرهنگی این عصر است و در سده‌های بعد، همچنان ادامه پیدا می‌کند، میتوان باز شناخت. (ص ۱).

اهمیت این «کل ایرانی» به اندازه‌ای بود که پیروزی اسکندر در سده چهارم پیش از میلاد بر سرزمین‌های ایرانی و غیر ایرانی امپراتوری هخامنشی، پیروزی یک «خارجی» به شمار نمی‌رفت.^{۱۰} اسکندر به حمایت از سنت‌های ایرانی و گسترش آنها ادامه داد و با ازدواجی نمادین با شاهزاده‌ای ایرانی، به ادامه و استمرار سنت پادشاهی هخامنشی تاکید کرد (ص ۱).

پیوند سنت‌های ایرانی و هلنیستی، در دوره سلوکی و اشکانی همچنان ویژگی هویت ایرانی باقی ماند و رشد و بالندگی جدیدی را تجربه کرد. پادشاهان اشکانی نیز به دنبال آرمان شاهنشاهی هخامنشی، هویت خود را در ارتباط با هخامنشیان می‌جستند.^{۱۱} در نهایت با پیروزی اردشیر نخست بر اردوان چهارم در ۲۲۴ میلادی، امپراتوری جدید ساسانی تشکیل شد که نام و هویتی نو یافت: «ایران‌شهر» (ص ۲). ایده سیاسی، اجتماعی و دینی «ایران‌شهر» را دریایی در پژوهش‌های خود به درستی دریافته و محور کار

¹⁰cf. Firoze M. Kotwal; Philip G. Kreyenbroek, „Alexander the Great in Zoroastrian Tradition,” *Encyclopaedia Iranica*, ed., Ehsan Yarshater (Online Edition, 2006) available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/alexander-the-great-ii>.

¹¹Antonio Panaino, “The Bagan of the Fratarakas: Gods or ‘Divine’ Kings,” *Religious Themes and Texts of Pre-Islamic Iran and Central Asia*, ed., C. Cereti (Wiesbaden: Reichert, 2003).

⁸Tourag Daryae, *Sasanian Iran (224-651 CE): Portrait of a Late Antique Empire* (Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2008).

⁹cf. Jacob Neusner: «Judeo-Persian Communities of Iran.XII. Persian Contribution to Judaism» *Encyclopaedia Iranica*, ed., Ehsan Yarshater (London: Routledge & Paul, 2009) Vol. XV, Fasc. 2, 172-174; Jacob Neusner, “How Much Iranian in Jewish Babylonia?” *Talmudic Judaism in Sasanian Babylonia: Essays and Studies* (Leiden: Brill, 1976), 139-47.

خود قرار داده است. ترسیم ویژگی‌ها و چگونگی دریافت سیاسی از یک هویت ملی - سیاسی جدید، که از سده‌های پایانی دوره باستان، تا به امروز مبنای هویت ایرانی قرار گرفته و ذهن و اندیشه بسیاری را به خود مشغول کرده است. کلید دریافت و تحلیل درست بسیاری از وقایع سیاسی و فرهنگی ایران ساسانی (و حتی فراتر از آن، تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران در سده‌های اسلامی و جنبش‌های ملی‌گرایانه معاصر ایرانی در دهه‌های اخیر) در تبیین و درک درست ایده ساسانیان از «ایران‌شهر» پنهان است. «ایران‌شهر» به معنای «سرزمین ایرانیان/ آریاییان»، «برساخته از نامی است در اوستا برای سرزمین آرمانی و اسطوره‌ای ایرانیان که از این زمان به بعد به سرزمین‌های امپراتوری ساسانی داده شد (ص ۵) و چنان در ذهن زرتشتیان و غیرزرتشتیان ریشه دواند که تا به امروز بنیاد هویت ایرانی را تشکیل می‌دهد.

بست و گسترش مفهوم «ایران‌شهر» در بستر رشد و بزرگ شدن امپراتوری ساسانی، در ادامه این فصل مورد بحث قرار می‌گیرد. جنگ‌های شاپور اول با روم، ظهور مانی و مسأله آیین مانی، دوران وهرام و نرسه، جایگاه و مسأله ارمنستان، یزگرد اول و تسامح با یهودیان و مسیحیان ایران، بهرام گور و تعقیب و آزار مسیحیان، دوران کواد و مسأله مزدک، اصلاحات دوران خسرو اول، خسرو دوم و مرزهای بزرگ ساسانی، بوران و آغاز افول مشروعیت ساسانیان و در نهایت یزگرد سوم، دیگر موضوعاتی هستند که هر کدام به اختصار بررسی می‌شوند.

طبقات و ساختار اجتماعی «ایران‌شهر»

فصل دوم کتاب، به بررسی چگونگی ویژگی‌های اجتماعی «ایران‌شهر» و مفهوم اجتماع و برهم‌کنش میان دو ساختار اجتماعی «کوچ‌نشینی» و «شهرنشینی» در عصر ساسانی می‌پردازد. این حقیقت که شهرها و روستاهای منطقه میان‌رودان، در عصر ساسانی، بیشترین تمرکز جمعیت انسانی در هر شهری از جهان پیشامدرن را داشتند، در نظر نویسنده گویای این حقیقت است که امپراتوری ساسانی بر پایه شهر و زندگی شهری استوار بود (صص ۴۰-۳۹) که آن را در زمینه شواهد بسیاری از برنامه ساسانیان برای شهرسازی، ساختن راه‌های ارتباطی و بناهای بزرگ و گوناگون می‌توان نشان داد. نوشته فارسی میانه (پهلوی) «شهرستان‌های ایران‌شهر»، (*šahrestān-thā ī Erānšahr*) یکی از منابع خوبی است که برنامه سیاسی و تبلیغاتی ساسانیان را برای ساخت شهرهای جدید و باز-یا نوسازی شهرهای قدیمی‌تر نشان می‌دهد.^{۱۲}

دیگر ویژگی مهم، نقش و جایگاه «شاه شاهان» (*šāhān-šāh*) در شکل دادن به نظم اجتماعی است. بنا بر فقه زرتشتی این دوره که با تبدیل شدن آئین زرتشتی به دین حکومتی ساسانیان، هرچه بیشتر و سازمان‌مندتر به خدمت ایدئولوژی حکومتی در آمده بود، اهورامزدا، خدای بزرگ، نظم کیهانی را در آفرینش معنوی و مادی برقرار می‌کند و در جنگ با بدی که پیوسته آفرینش نیک را تهدید می‌کند، وظیفه برقراری این نظم و مبارزه در برابر آشوب در روی زمین، به طریقه اولی، بر عهده پادشاه قرار می‌گیرد (ص ۴۲).

دیگر ویژگی جامعه ایران عصر ساسانی، جایگاه و وظایف طبقات اجتماعی یا «پیشه‌ها» (*pēšag*) بود. بنا بر منابع گوناگون، چهار پیشه یا طبقه اجتماعی مهم، در ایران ساسانی وجود داشت.^{۱۳} نخستین آنها طبقه «روحانیان» (*āsrōnān*) شامل «موبدان» (*mowbedān*) یا روحانیان اصلی، «هیربدان» (*hērbedān*) که وظیفه آنان، نگهداری و حفاظت از آتش مقدس و آتشکده‌ها و برگزاری آئین‌های دینی و تربیت موبدان و هیربدان بود، «دستوران» (*dastūrān*) یا فقیهان زرتشتی؛ «دادوران» (*dādwarān*) یا قاضیان؛ «ردان» (*radān*) که برگزیدگان جامعه روحانی زرتشتی بودند (ص ۴۳).^{۱۴} پیشرفت و نظم جامعه، از پیروزی سربازان در میدان جنگ تا محصول خوب و پر بار کشاورزان و رستگاری همگانی، وابسته به کار صحیح روحانی و هدایت دینی بر اساس قوانین و شرع زرتشتی دانسته می‌شد (ص ۴۳).

^{۱۲} برای اطلاعات بیشتر درباره برنامه‌ی شهرسازی ساسانیان ببینید:

Nina Viktorovna Pigulevskaia, *Les villes de l'état iranien aux époques parthe et sassanide* (Paris: Mouton, 1936).

^{۱۳}cf. Mansour Shaki, „Class System III: in the Parthian and Sasanian Period,” *Encyclopædia Iranica*, ed., Ehsan Yarshater (London: Routledge & Paul, 1992), vol. V, Fasc. 6, 652-658.

^{۱۴}cf. Philip G. Kreyenbroek, „The Zoroastrian Priesthood after the Fall of the Sasanian Empire,” *Transition Periods in Iranian History*, ed., Philippe Gignoux (Louvain: Actes du Symposium de Fribourg-en-Brigau, 1987), 151-66.

در ادامه، دریایی دیگر سلسله مراتب ارتش ساسانی و مقام‌های «سواران» (*aswārān*) (سواره‌نظام)، «پیگان» (*paygān*) (سرباز پیاده) و «پشتیگان سالار» (*poštīgān-sālār*) (فرمانده سربازان جاویدان)، «گوند سالار» (*gund-sālār*) (ارتشبد)، «مرزبان»، «*marzbān*)»، «ارگبد» (*argbed*) (فرمانده ارگ) و ساختار فنی ارتش ساسانی را بررسی می‌کند. گروه سوم، «واستریوشان» (*wāstaryōšān*) و «دهیگان» (*dahigān*) (کشاورزان و دهقانان) بودند و توسط مقامی به نام «واستریوشان سالار» (*wāstaryōšān-sālār*) نظارت می‌شدند. این گروه تولیدکننده اصلی مواد غذایی و خوراکی و همین‌طور پرداخت‌کننده اصلی مالیات بودند (ص ۴۷) و «آتش برزین‌مهر» (*ādur burzenmīhr*) آتشکده مربوط به این طبقه بود. گروه چهارم، «هوتخشان» (*hutuxšān*) (صنعت‌گران) بودند که در سنت فقهی زرتشتی، توجه ویژه‌ای به آنها شده است و قوانین فقهی خاص به خود را دارند (ص ۴۷).

در تحلیلی دیگر، دریایی بر اساس متون فارسی میانه و دوره‌ی اسلامی، جامعه‌ی ساسانی را به دو گروه «اشراف و طبقه فرادست» و «توده مردم یا فرودست» تقسیم‌بندی می‌کند (ص ۴۹).

یکی دیگر از جنبه‌های اجتماعی زندگی درباری دوره ساسانی که مورد توجه نویسنده بوده، زندگی روزمره، سرگرمی و عادت‌های غذایی اشراف ساسانی است که صفحاتی از کتاب به آن اختصاص داده شده است (صص ۵۰-۵۲). متن فارسی میانه «خسرو و پسر جوان»، اطلاعات بسیار ارزشمندی از جنبه‌های مختلف زندگی اشراف ساسانی، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، خوراک و نوشیدنی و آموزش و تربیت این طبقه در اختیار ما قرار می‌دهد.

دبیران

ویژگی «دیوان‌سالارانه» دستگاه حکومتی ساسانی، اهمیت و کارکرد «دبیران» و «کاتبان» را بسیار پررنگ می‌کرد. گروهی از دبیران مانند «سپاه‌دبیر»* (*dabīr-spāh*) و «گونددبیر»* (*gund-dabīr*) در خدمت ارتش ساسانی بودند و گروهی دیگر در دستگاه‌های اداری گوناگون در سراسر امپراتوری به کار مشغول بودند. دبیران شاهی هم وظیفه نگارش کتیبه‌ها و فرمان‌ها و ترجمه آنها به زبان‌های یونانی، عربی، سانسکریت و غیره را به عهده داشتند. در ادامه گونه‌های خط مورد استفاده، شیوه نامه‌نگاری، انواع نامه‌های رسمی و غیر رسمی و دبیران مختلف

همچون «آماردبیر» (*āmār-dabīr*) (حسابدار)، «کدگ آماردبیر» (*kadag-āmār-dabīr*) (حسابدار دربار)، «گنج آماردبیر» (*ganj-āmār-dabīr*) (حسابدار خزانه)، «اخوار آماردبیر» (*axwār-āmār-dabīr*) (حسابدار اصطبل سلطنتی)، «آتخشان آماردبیر» (*ātaxšān-āmār-dabīr*) (حسابدار آتشکده)، «رووانگان‌دبیر» (*ruwāngān-āmār-dabīr*) (حسابدار خیریه‌ها)، «شهردبیر» (*šahr-āmār-dabīr*) (حسابدار ایالتی) و «داددبیر» (*dād-āmār-dabīr*) (دبیر حقوقی) بررسی می‌شوند.

مسیحیان و یهودیان

دیگر بحث مهم در ساختار جامعه ساسانی، گروه‌های دینی غیر زرتشتی، از آن جمله مسیحیان و یهودیان هستند. برای مثال یهودیان ایرانی که در شهرهای شوش و اصفهان زندگی می‌کردند و کنیساها و مکان‌های زیارتی خاص خود را داشتند و مسیحیان بیزانسی و رومی و مسیحیان کلیسای ایرانی (کلیسای نستوری) که تنها در فارس، شش حوزه اداری و دینی مختلف را دارا بودند (ص ۵۵). به نظر می‌رسد که در اواخر سده ششم، نفوذ مسیحیان در جامعه زرتشتی و به ویژه در میان اشراف و خانواده شاهی، قابل توجه بوده، یزگرد سوم و پسرش پیروز، فرمان ساخت کلیساهایی در مرزهای شرقی امپراتوری ساسانی و چین می‌دادند و زنان غیرزرتشتی نیز با اعضای خانواده سلطنتی ازدواج می‌کردند که از آن میان می‌توان به مادر یهودی بهرام پنجم، همسر سوگلی مسیحی خسرو دوم و مادر ملکه بوران اشاره کرد که بی‌تردید تأثیر بسیار مثبتی در پذیرش و احترام نسبت به جامعه یهودی و مسیحی ایرانی در بین زرتشتیان داشته است (ص ۵۶).

درویشان و فقرا

در طبقه‌بندی دوگانه دریایی، بزرگ‌ترین گروه اجتماعی از منظر توزیع ثروت را «فرودستان» تشکیل می‌دادند. در این طبقه باید بین دو دسته تفاوت قایل شد: گروهی که در متون دینی زرتشتی «دربوشان» (*driyōšān*)^{۱۵} (درویشان) نامیده می‌شوند و شایسته توجه و حمایت دینداران هستند و دسته دیگر

^{۱۵}For the concept cf. G. Itō: „From the Dēnkard“, in: *Monumentum H.S. Nyberg*, Vol. I, (Leiden: Brill, 1975), 423-434; Kaj Barr, *Avestan drəgu-, driyu-*, *Studia Orientalia Ioanni Pedersen* (Haunia: Munksgaardm, 1953), 21-40.

^{۱۶}cf. Mansour Shaki, „Darvīš“, *Encyclopædia Iranica*, ed., Ehsan Yarshater (London: Routledge & Paul, 1994) vol.

VII, Fasc. 1, 72-76.

«شکوهان» (šköhān) (ناراضیان، شکوه‌کنندگان) که از وضعیت و طبقه اجتماعی خود راضی نیستند. در یوشان که ریشه اسمی و به احتمال بسیار زیاد معنوی «درویشان» در دوره اسلامی از آن می‌آید،^{۱۶} آنانی که به آنچه دارند قانع هستند و با کمترین‌ها روزگار به سر می‌کنند، در اوستا و متون دینی پهلوی ستایش می‌شوند (ص ۵۶).

از گروه دوم، که نارضایتی خود را از حکومت هم ابراز می‌کنند و باعث تنش و ناآرامی می‌شوند، در متون زرتشتی به نیکی یاد نشده است. در نگاه دریایی این گروه «شکوهان»، هسته گروه‌های «جوانمردی» دوره اسلامی هستند که در جامعه ساسانی نیز حضور داشتند و از اندک یادکردهایی که در متون فارسی میانه وجود دارد، برمیآید که «جنایت» اصلی آنان، دزدیدن از ثروتمندان و بخشیدن به نیازمندان بوده است (ص ۵۷). موضوع «برده‌داری» و گونه‌های آن بر اساس متون فارسی میانه همچون «بندگ» (*bandag*) (برده معمولی)، «بندگ پرستار» (*bandag-paristār*) (کنیز)، «وردگ» (*wardag*) (برده اسیر، برده غیر ایرانی) و «دن» (*tan*) (برده نگهبان) نیز در ادامه بسیار خلاصه بررسی می‌شوند (صص ۵۸-۵۹).

جنسیت و روابط جنسی

موضوع دیگر بحث، مسأله «جنسیت»، «روابط جنسی»، و «جایگاه زن» در جامعه ساسانی است. قوانین بسیار سخت‌گیرانه فقهی ساسانی، جایگاهی بسیار فرودستانه و اهریمنی برای زن در نظر می‌گرفت و جز اندک زنان طبقه اشراف و خانواده شاهی، که از آزادی بیشتری برخوردار بودند، زن یکی از اموال مرد به شمار می‌رفت (ص ۵۹) و از نظر حقوقی همچون کودکان و بردگان دیده می‌شد. کابین زن دوهزار درهم، برابر با بهای یک برده بود (ص ۶۰). متون فقهی زرتشتی به ویژه ونیدداد، نشان دهنده قوانین بسیار سخت‌گیرانه برای زنان در این دوره هستند. نگاهی به مجازات‌ها و مقررات اجتماعی دوره ساسانی پایان بخش این فصل از کتاب است.

دین

در فصل سوم کتاب، دریایی به مسأله دین‌های تأثیرگذار در ساختار اجتماعی امپراتوری ساسانی می‌پردازد. آیین زرتشت، به وسیله اردشیر (۲۴۰-۲۲۴) و خانواده ساسان، به دین رسمی و دولتی ساسانیان تبدیل شد. خانواده ساسان، نسل اندر نسل از خادمان و روحانیون آتشکده و معبد ناهید در فارس بودند.

هر چند که پادشاهان ساسانی، آئین زرتشت را دین رسمی امپراتوری خود می‌دانستند، اما این دوره، در کنار

حضور یهودیان و مسیحیان، شاهد سربرآوردن آیین‌های جدید دیگری نیز هست که چالش‌های زیادی برای ساسانیان به وجود آوردند. ظهور مانی هم‌زمان است با تلاش‌ها و درگیری‌های ساسانیان با پارت‌ها برای تسلط کامل بر فارس. مانی، با پیشینه‌ای گنوسی مسیحی و با الهام از دین زرتشتی، آیینی بر پایه «دوگانگی کامل بنیاد آفرینش» معرفی کرد (ص ۷۳) که با ادعای جهانی بودن، پذیرش همه پیامبران و استفاده از واژگان شناخته شده دیگر دین‌های منطقه و تبلیغات وسیع، به سرعت گسترش و محبوبیت پیدا کرد.

با تثبیت قدرت کردیر به عنوان «موبدان موبد» بزرگ ساسانیان از زمان وهرام نخست به بعد، مانی دستگیر و زندانی شده و سرانجام در زندان می‌میرد و با زیاد شدن فشار و تعقیب و کشتار مانویان، آئین مانی امکان ادامه زندگی خود را در آسیای مرکزی و در میان قبایل ترکان و چینیان پیدا می‌کند (ص ۷۵).

کردیر در سنگ‌نوشته^{۱۷} خود در کعبه زرتشت ادعا می‌کند که یهودیان، بوداییان، هندوان، نصاریان، مسیحیان، منداییان و مانویان را تعقیب و آزار کرده و بت‌ها و شمایل‌ها و بت‌پرستی را که در سراسر امپراتوری رایج بوده، برانداخته است (ص ۷۷). اینکه تا چه حد این ادعا واقعیت را نشان می‌دهد، مورد تردید است، دست کم در رابطه با یهودیان و به ویژه مسیحیان از سده پنجم به بعد که کلیسای ایرانی تثبیت و به رسمیت شناخته می‌شود، در کنار شواهد متنی و باستان‌شناسی از حضور جدی و مهم مسیحیان و رهبران بلندپایه مذهبی آنان، در تیسفون، نشان می‌دهد که مسیحیان، از اعتبار، نفوذ و آرامش بهره‌مند بودند. یهودیان در مقایسه از احترام و نفوذ بیشتری برخوردار بودند و نگاهی به متن‌های غیر دینی فارسی میانه نشان می‌دهد که ارتباط نزدیکی بین شاهان ساسانی و رهبران جامعه یهودی وجود داشته است (ص ۷۸). در کنار آن، به نظر می‌رسد که یهودیان منبع اصلی اطلاع ساسانیان از هخامنشیان و حمایت آنان از یهودیان بودند (ص ۷۹).

نام مهم دیگر در تاریخ راست‌آیینی زرتشتی، آدورباد مارسپندان، (*ādurbād ī mārspandān*) موبدان موبد مهم دوره شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹) است که در کنار اهمیتش در فرایند جمع‌آوری و مکتوب کردن اوستا، سعی در اصلاح راست‌دینی زرتشتی و پالودن آن از عناصر بیگانه و تأثیرات خارجی داشت (ص ۸۵).

¹⁷David N. MacKenzie (trans.), „The Kartir Inscriptions,“ *Henning Memorial Volume* (London: Lund Humphries, 1970).

ظهور مزدک و جنبش اجتماعی او که بر اصل تقسیم مساوی و عادلانه ثروت استوار بود، در زمان پادشاهی کواد نخست (۴۹۶-۴۸۸) اتفاق افتاد. متن‌های فارسی میانه زرتشتی، تهمت تقسیم همسر و فرزند را در کنار دارائی به او نسبت می‌دهند و او را «زندیق» (*zandīg*) (بدعت‌گذار) و «اهلموگان اهلموغ» (*ahlmoγān ahlmoγ*) (بدترین، مرتدترین مرتدان) می‌نامند.

ساسانی به استفاده از زبانی غیر از فارسی میانه ساسانی، برای مقاصد تبلیغی، با گذشت زمان تغییر می‌کند. اردشیر اول، کتیبه‌های خود را به فارسی میانه و یونانی می‌نویسد، شاپور اول از پارتی (فارسی میانه اشکانی) و یونانی، در کنار پهلوی ساسانی استفاده می‌کند، نرسه، یونانی را کنار می‌گذارد اما همچنان از پارتی استفاده می‌کند و سر آخر، شاپور دوم و سوم و کردیر، کتیبه‌های خود را تنها به فارسی میانه ساسانی می‌نویسند (ص ۱۰۰).

کواد اول با پشتیبانی از مزدک توانست قدرت و نفوذ اشراف و روحانیان را که قدرت پادشاه را محدود و تهدید می‌کردند، کم کند. به این ترتیب، مزدک به دین‌مردی محبوب و کواد نیز به شاهی مورد علاقه طبقه مردم عادی تبدیل شد (ص ۸۸). در سال‌های پایانی عمر کواد، اختلافاتی بر سر جانشینی او وجود داشت، مزدک گزینه نادرست را انتخاب کرد و به حمایت از کاووس پرداخت. وقتی که خسرو اول (۵۷۹-۵۳۱) با حمایت و پشتیبانی مخالفان مزدک به قدرت رسید، به وعده خود به مخالفان مزدک عمل کرد و مزدکیان را با قساوت قتل عام کرد و ترویج و آموزش آموزه‌های مزدک و تفسیر او را ممنوع ساخت (ص ۸۹-۹۰).

در ادامه دیدی کلی به زبان فارسی میانه، کتیبه‌های فارسی میانه ساسانی و متن‌های پهلوی، نامه‌ها، پاپیروس‌ها، ادبیات زرتشتی، تفسیرها و شرح‌های فارسی میانه بر اوستا، متن‌های فلسفی و جدلی، نوشته‌های آخرالزمانی، آموزشی، جغرافیایی، حماسی، حقوقی، فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها به خواننده داده می‌شود.

اقتصاد و دیوان‌سالاری

فصل پنجم و پایانی کتاب، به اقتصاد و نظام دیوان‌سالاری عصر ساسانی می‌پردازد. بعضی از شواهد و متون تاریخی از اصلاحاتی در ساختار سیاسی و اداری ساسانیان توسط کواد و بعدتر خسرو اول در سده ششم خبر می‌دهند. شواهد متنی، سکه‌ها و مهرها نیز همگی بیانگر این واقعیات هستند که دست کم در اواخر امپراتوری ساسانی، تقسیم بندی چهارگانه‌ای از نظر نظامی و اداری وجود داشته که هر منطقه به وسیله یکی از سپاهبدان (*ērān-spāhbed*) بزرگ اداره می‌شده است (ص ۱۲۴).

نشانه‌های زرتشتی بودن

نکته‌ای که دریایی در این بخش به بررسی آن می‌پردازد، تفاوت میان صورت راست‌دین آئین زرتشتی بر ساخته از متون فقهی زرتشتی فارسی میانه و اسناد نوشتاری و باستان‌شناختی به دست آمده از ایران است. متون پهلوی زرتشتی، ساختاری همگون و چهره‌ای مشخص از چگونگی زرتشتی بودن به دست می‌دهند. در مقابل دین عامیانه و روزمره مردم، چهره‌ای دیگر داشته است. تنوع، بی‌شمار و گسترش مهرها، مهرها و طلسم‌های ساسانی^{۱۸} نشان می‌دهد که طلسم و جادو، در زندگی مردم جایگاه خود را داشته است و شواهدی برای هر دو صورت به اصطلاح جادوی سفید و جادوی سیاه، از لابلای متون پهلوی و یافته‌های باستان‌شناسی پیدا می‌شود (صص ۹۷-۹۲).

در کتیبه‌های سده سوم، از استان‌ها و ایالت‌ها با واژه «شهر» و از پایتخت یا مرکز استان‌ها با واژه «شهرستان» یاد شده است. اداره شهر نیز به عهده «شهردار» که شاه یا حاکم محلی بوده، قرار داشته است. اداره «شهر» یا همان ایالت‌ها و استان‌ها نیز مشترکاً به عهده یک «شهرب» (*šahrab*) و یک «موبد» بوده، در کنار آنها یک «آمارگر» هم مسایل مالی و مالیاتی را اداره می‌کرده است (ص ۱۲۵). ادامه بحث به شواهد و کارکردهای سمت‌های مختلف اداری دوره ساسانی همچون «شهرب» (استاندار)، روحانی مسئول امور مذهبی، «دادور» (*dādwar*) (قاضی)، «هندرزبد»

زبان و نوشته

چهارمین فصل کتاب به بررسی زبان‌ها و نوشته‌های به جا مانده از دوره ساسانی می‌پردازد. تمایل پادشاهان

¹⁸cf. Rika Gyselen, „Les sceaux des mages de l’Iran sassanide,” *Au carrefour des religions Mélanges offerts à Philippe Gignoux*, ed. Rika Gyselen, Res Orientales, vol. VII, (Bures-sur-Yvette: Groupe pour l’étude de la civilisation du moyen-orient, 1995); Rika Gyselen, *Sceaux magiques en Iran sassanide* (Paris: Studia Iranica, cahier 17, 1995).

(*hadarzbed*) (مشاور)، «آمارگر» (حسابرس)، «دبیر» و از این قبیل می‌پردازد (صص ۱۳۳-۱۲۶). مهم‌ترین منبع تولید و اقتصاد ساسانی، محصولات

امروزی، هر کدام به دلایلی، تکه‌های بسیاری از این جورچین بزرگ ناقص مانده است. جز آن، تنها جای خالی یک یا چند نقشه از ایران ساسانی و فهرستی از پادشاهان ساسانی نیز در کتاب دیده می‌شود که به راحتی می‌توان در چاپ‌های بعدی کتاب به آن افزود. کتاب دریایی، دست‌نامه بسیار خوبی است که دانشجویان رشته‌های ایران‌شناسی و تاریخ جهان باستان و همین‌طور علاقه‌مندان تاریخ ساسانی از خواندن آن بی‌نیاز نخواهند بود.

این کتاب در سال ۲۰۱۰ برنده جایزه‌ی انجمن بریتانیایی پژوهش‌های خاورمیانه^{۱۹} شد.^{۲۰}

تورج دریایی، استاد کرسی هوارد بسکرویل^{۲۱} در تاریخ ایران و جهان ایرانی و مدیر مرکز دکتر ساموئل م. جردن^{۲۲} در پژوهش‌های ایران‌شناسی در حوزه فرهنگ و تاریخ در دانشگاه ایروین کالیفرنیا است. دریایی در کنار آن مسئولیت وب‌سایت پژوهش‌های ساسانی «ساسانیکا»^{۲۳} را نیز به عهده دارد.



¹⁹British Society for Middle Eastern Studies (BRISMES)

^{۲۰}برای دیدن نقد دیگری بر این کتاب ببینید:

Dinyar Patel, „Review of Touraj Daryaee’s *Sasanian Persia: Rise and Fall of an Empire*,” *Economic and Political Weekly* (India), XLV:15 (April 10, 2010).

²¹Howard C. Baskerville Professor of Iranian History and the Persianate World.

²²Dr. Samuel M. Jordan Center for Persian Studies and Culture

²³<http://www.humanities.uci.edu/sasanika/>

کشاورزی، غله، خوراک دام و ابریشم بوده (ص ۱۳۳). ساسانیان به توسعه و پیشرفت کشاورزی توجه و علاقه داشتند و سرزمین‌های بسیاری را در عراق امروزی و خوزستان به آن اختصاص می‌دادند. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد که از زمان اردشیر اول به بعد، کنترل سواحل خلیج فارس و بندرهای هر دو سوی آن، برای کنترل و بهره‌مندی از تجارت و رفت و آمد تجاری در این منطقه، مورد توجه ساسانیان بوده است (ص ۱۳۶). در هر دو سوی امپراتوری، ساسانیان به تجارت با روم و چین هم می‌پرداختند.

نبض اقتصاد شهری، در «بازار» (*wāzār*) و در دستان «بازرگانان» (*wāzārgānān*) بود که گروه‌های مختلف پیشه‌واران و تاجران، کالاها و خدمات خود را عرضه می‌کردند، دینکرد ۸ در فصل ۳۸، لیست بلندی از همه این مشاغل و پیشه‌ها به‌دست می‌دهد (ص ۱۴۲).

برای نظم بخشیدن به تجارت و داد و ستدها، دستگاه دیوان‌سالاری ساسانی، سیاست همگونی و یکسان‌سازی ضرب سکه و استانداردسازی وزن را را پیش گرفت. واحد سکه طلا «دینار» (*dēnār*) و نقره «درهم» (*drahm*) بود که در ضرب‌خانه‌های شاهی، استانداردسازی و ضرب سکه‌ها انجام می‌شد. برای مصارف محدودتر و محلی، یک ششم درهم نقره با نام «دنگ» (*dang*) و سکه مسی «پشیز» (*pašīz*) نیز ضرب می‌شد. وزن سکه نقره در حدود ۴،۲۵ گرم در زمان اردشیر اول (۲۴۰-۲۲۴) تثبیت شد (صص ۱۴۵-۱۴۴).

سخن پایانی

کتاب دریایی، با زبانی شیوا و به دور از پیچیدگی، دیدی همه‌جانبه از وضعیت اجتماعی عصر ساسانی به خواننده می‌دهد و با محور قرار دادن عناصر اجتماعی و فرهنگی، تاریخ را فراتر از آمد و رفتن‌ها و جنگ‌های پادشاهان و کشورگشایی‌ها می‌بیند. این گونه نگاه به تاریخ، کمبود اساسی بیشتر حوزه‌های پژوهشی تاریخ ایران باستان است.

جای خالی گفتاری در هنر ساسانی در کتاب احساس می‌شود که شاید دریایی آگاهانه، از بررسی این موضوع خودداری کرده است. هنر ساسانی، همچنان موضوع بسیار جدلانگیزی در میان محققان است و متأسفانه به دلیل متوقف شدن فعالیت‌های منظم و مستمر باستان‌شناسی در ایران و عراق